موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

بررسی انواع راه های معرفت

بحث درباره روش تحقیق و پژوهش درباره نبوت و پیامبری بود. گفته شد نویسنده کتاب «مسیر پیامبری» بیش از هر چیز بر داده های تاریخی تاکید کرده است، و به ادله عقلی که نوعا متکلمان اسلامی و غیر اسلامی برای بحث نبوت و پیامبری به آنها استناد کرده اند، چندان وقعی ننهاده اند. البته آنجا که خواسته است دیدگاه رایج درباره نبوت را نقد کند به استدلال های عقلی هم توجه کرده است. مانند اینکه به زعم وی «در قرآن ناسازگاری وجود دارد و کلام قرآن از ناسازگاری پیرایه است». این یک یک استدلال عقلی است. یا اینکه «اگر پیامبران از جانب خداوند مبعوث شده بودند، در میان آنان پیامبر زن مبعوث می شد». این هم یک استدلال عقلی است. بنابراین روشی که در کتاب مسیر پیامبری به کار گرفته شده است تلفیقی از روش عقلی و نقلی و تاریخی است که به صورت گزینشی انجام گرفته است. وی نمونه هایی را بیان کرده و دیگر به شواهد و گزارش ها به صورت مستوفی نپرداخته است.

آنچه اکنون به نظر می آید به عنوان یک بررسی مقدماتی پرداخته شود، واکاوی روش های شناخت و معرفت است. انسان برای اینکه به واقعیات های گوناگون دست پیدا کند چه روش هایی برای شناخت برایش وجود دارد؟ اجمالا راه هایی که برای معرفت برای انسان وجود دارد از این قرار است:

1. روش حسی

روش حسی به صورت ساده عبارت است از یافته هایی که توسط حواس پنج گانه به دست می آید.

2. روش تجربی

این روش در معرفت علمی که در شاخه های علوم مورد توجه است مورد استفاده قرار می گیرد. این نوع روش ما را به یکسری مفاهیم و قوانین کلی می رساند، در هم علوم طبیعی و هم علوم انسانی کاربرد دارد.

3. روش عقلی تجریدی

در این روش، تفکر عقلی مبتنی بر داده های حسی نیست اما در روش عقلی تجربی، مبتنی بر داده های حسی است. در اینجا تفکر عقلی بر اساس مفاهیم ذهنی (و اصطلاحا انتزاعی) استوار است و به تحلیل آنها می پردازد، همانند تفکری که در مباحث فلسفی، منطقی و ریاضی مورد استفاده قرار می گیرد.

4. روش نقلی

این روش دو گونه است: روش نقلی عادی (غیر وحیانی و غیر معصوم)، و دوم روشن نقلی وحیانی و معصوم. این روش مبتنی بر روش عقلی تجریدی است به این معنا که ابتدا عقل باید نبوت عام و سپس نبوت خاص را اثبات کند، و بعد به روش نقل می رسد. عقل اگر بدون واسطه استدلال کند، مدلول آن یقینی است و اگر کسی را که عقل عصمت و صدق کلام او را اثبات کند، مطلبی بگوید که از نظر دلالت روشن و صریح باشد، آن نیز مفید یقین منطقی است، اما اگر از باب ظهور کلام باشد، معرفت آن علم عرفی یا ظن اطمینان آور است. صورت دیگر اینکه اگر ناقل، غیر معصوم باشد، معرفت آن در زمره نقل های غیر معصوم قرار می گیرد.

اما روش نقلی غیر معصوم، اگر به صورت متواتر باشد، مفید یقین است (کما اینکه در علم منطق بیان شده که متواترات از اقسام یقینیات است) اما از نظر مدلول و مفاد بستگی به آن دارد که صریح و نص است یا از قبیل عموم و اطلاقات است، که همان طور که گفته شد ظهورات یقین منطقی به دست نمی دهد اما مفید علم عرفی اند.

در مورد نقل غیر متواتر هم اگر راوی و گزارش گر موثق و دارای قدرت حفظ و ضبط باشد، عقلا به خبر او اعتماد می کنند، اما اگر این ویژگی ها را نداشته باشد، خبر او اعتبار ندارد، مگر اینکه شواهد و قوائنی وجود داشته باشد که صدق و درستی کلام او را ثابت کند. همین گونه است اگر راوی و گزارش گر از نظر شخصیت مجهول الهویه باشند، مانند اینکه اسم و نسبت او معلوم نیست یا اوصاف او مشخص نشده و کسی درباره او چیزی نگفته است. خبر چنین شخصی نیز اعتبار ندارد مگر اینکه شواهد و قرائنی بر صدق خبر وجود داشته باشد. (اعتبار روای از نظر وثاقت روحی و وثاقت ذهنی، طریقیت دارد نه موضوعیت، و لذا اگر این طریق ثابت نشد اما از راه دیگر وثاقت خبر به دست آمد، معتبر خواهد بود).

5. روش وجدانی

این روش مربوط به واقعیت های درون انسان است، مانند ذات و قوای ادراکی و حالات درونی انسان. در اینجا به جای تفکر کردن، فرد از طریق درک شهودی و حضوری آگاهی پیدا می کند، مثلا انسان حالت گرسنگی یا شادمانی را در خود بالوجدان می یابد. البته این درک، منافاتی با درک ذهنی به این واقعیت ها هم ندارد. نکته دیگر اینکه علم روانشناسی و روانکاوی بر همین پایه استوار است.

علامه طباطبایی بنابر نظریه این که در اصول فلسفه و روش رئالیسم مطرح کرده اند، بیان می کنند که علم حصولی انسان همواره بر علم حضوری مبتنی است. یافته های این روش وجدانی از نظر ارزش معرفت شناسی صدق بالاترین ارزش را دارد. هیچ معرفتی از نظر قطعیت به درجه آنچه انسان در درون خود می یابد نمی رسد، اما از آن جهت که قهری و غیر اختیاری است، در شاخه های علوم، چندان جایگاهی ندارد مگر اینکه بخواهد مورد استشهاد قرار گیرد.

6. روش عرفانی

این روش انسان به جای تفکر و نظر و یا بکارگیری حس، از طریق یک عمل ویژه و خاص، به معرفت نائل می شود که آن به سیر و سلوک و تهذیب نفس یاد می شود. عرفاء به این روش اعتنا دارند و معرفت حصولی را معرفتی از پس پرده مفاهیم می دانند، اما معرفت شهودی که بر اساس سیر و سلوک تقوایی خاص صورت می گیرد، معرفت مستقیم و بی واسطه می دانند.

انشاء الله در گفتار بعد این بحث را ادامه می دهیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد